



روایتگر انسان بعد از جنگ جهانی

قطب‌الدین صادقی



واکنش درخوری می‌تواند از خودش نشان دهد. همه مایه یأس و سرخوردگی برگمان از این جهان پر از هول و دلشوره و اضطرابی است که انسان برای خودش ساخته و هنوز به یک راه حل منطقی و عقلانی نرسیده، هرچه هست اندکی مکاشفه است، اندکی دل‌بستن به زیبایی‌هاست، اندکی دل‌بستن به عشق‌هاست. در اغلب فیلمهایش نوعی سرخوردگی از عشق، غیر ممکن بودن و کوتاه بودن رابطه به خصوص در فیلم ساعت گرگ و میش را به بهترین شکل ممکن به تصویر کشید. رابطهٔ یک زن و مرد در یک کلیهٔ تاریک فقط در پرتو یک شعلهٔ کبریتی است که می‌افروزند. اگر تمام اینها را کنار هم بگذاریم از اینگمار برگمان چهره‌ای متفکر، صاحب تألیف، و جهان‌بینی می‌سازد که به نظر من شاخص‌ترین فیلم‌ساز نیمهٔ دوم قرن بیست اروپاست و بعید می‌دانم که به این زودی نظیر او دوباره به دنیا بیاید. روحش شاد.

● اینگمار برگمان یکی از درخشان‌ترین چهره‌های تئاتر و سینمای سوئد و اسکاندیناوی است. می‌گویم تئاتر برای اینکه قبل از اینکه برگمان فیلم‌ساز شود، نمایشنامه‌نویس و کارگردان تئاتر بود و بعدها در آخر عمر باز هم به تئاتر سلطنتی سوئد برگشت و چندین شاه‌کار از جمله لیر شاه، را اجرا کرد. کاری که برگمان انجام داد، آوردن سینمای اندیشمند به سینمای اروپا بود، یعنی افزودن یک بعد تعریف و تفکر هم در مقولهٔ زیبایی‌شناسی سینما و هم در مضمون فیلمهایش. آنچه او تصویر کرد، بیش از هر چیز تنهایی انسان در برهوت اروپایی بعد از جنگ جهانی دوم بود. یک نوع شک و یأس فلسفی که هرگز برای بیان آن زیبایی را فراموش نکرد. ما اینگمار برگمان را در خلاء روحی جهان بی‌خدای بعد از جنگ جهانی دوم می‌بینیم و آنچه او پیشنهاد می‌کند، البته فقط یک تعمق و تفکر و دیدن اندک زیباییهای موجود در اطراف ماست. برای ما برگمان مصداق تسلط بر سینما، تسلط بر فیلم‌نامه‌نویسی، و تسلط بر کارگردانی است، هنوز که هنوز است بزرگترین فیلم‌نامه‌نویس دنیاست و برای بیان مفاهیمش که تنهایی، خلاء و به خصوص مرگ است، از هیچ موضوع گذشته و حالی رویگردان نبود. چیزی که با سکوت آغاز شد و در کایه دو سینما کشف کردند، و در آن سکوت خدا تلقی نمودند تا تنهایی‌های هزار تو، و تودرتوی روانکاوانه‌ای که انسان را در جهان پر از یأس فلسفی رها می‌کرد، در پرسونا، و در فریادها و نجواها هنوز برای من شیرین‌ترین فیلمهایی است که دیده‌ام. یا مثلاً فیلم زیبای «مهر هفتم» که خود یک نمایشنامه است و به نظر من یکی از جذاب‌ترین فیلمهایی است که در مورد مسئله مرگ و اینکه انسان رویارو با این مفهوم فلسفی چه می‌تواند بکند، و به خصوص با تجربیات سنگینی که از جنگ جهانی دوم دارد، چه

